

### صو خوش خبر هن

یکی دیگر از مقالات شایان نقل این‌ماه ما ، « سوخته خرمن » نوشته‌ای آقای باستانی پاریزی است که عهده‌دار تدریس تاریخ در آنکه تهران اند . سوخته خرمن یکی به زبانهای آشنازی در روستاهای ما ، و دیگری به خارابی قنوات در از سبل ، و راه هانی برای پیشگیری از زیان آنها ، اشاره‌می‌کند . برای قسمت اول ، توصیه خود خبری را بعنوان شاهد از « اطلاعات » بدست میدهد .

خبر دوم را بعنوان شاهد ، برای قسمت دوم ، به نقل از « کیمان » مایدان افروزدایم ، « سوخته خرمن » ، نخست در مجله‌ی خواندنیها ۱۱ تیر ۴۲ - انتشار یافته است .

اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۴

### ۱۱ خرمن گندم و جو سوخت

خبرنگار ما در جانکی گزارش میدهد پریروز در با غمک از توابع شهرستان ایده بعلت نامعلومی خرمنهای کشاورزان دچار حريق شد و در نتیجه ۱۱ خرمن گندم و جو که متعلق به ۳۱ خانوار از زادعین بود در کام آتش سوخت جریان باطلان مفاسد هربوط رسید و برای کشف عملت و قوع حريق اقدامات لازم بعمل آمد .

### سیل : خساراتی وارد کرد

کپورچال - پس از دو سه روز که بارندگی شدید در کپورچال متوقف شده بود مجددآ شروع شد و توفانی در گرفت و خسارات زیاد به زادعین وارد کرد .

بارندگی چهار شبانه روز ادامه داشت و سیل بزرگی که از کوهستان سرازیر شده بود وارد مزارع برنج گردید و زادعین که در مزارع مشغول کار بودند از ترس فرار کردند و بخانه های خود پناه برداشتند .

سیل اغلب مزارع برنج و باغهای خربوزه و هندوانه و خیار را فرا گرفت و آنها را تبدیل بدربیاچه کرد .

در مزارع بر نج در حدود نیمتر آب بود . بر اثر این سبل و توفان محصول با غهای کپورچال ، علی آباد ، کچلک محله ، سنگاچین ، سیلسر و سیاه خالسر ، گرگان ، اشترکان ، خمیران ، نزهه بیر و آبکنار از بین رفت و دهستان هیچگونه امیدی ندارند .  
دهستان چهار بار بذر کاشتند و هر بار سبل رسید و آن را از بین برداشتند .

دیروز عده زیادی از دهستان آسیب دیده بدفتر نمایندگی کیهان مراجعت کرده گفتند :

۵ هزار کشاورز که در آبکنار و تربوز با غتهیه کرده بودند همه محصولات خود را از دست دادند و اینک احتیاج به کمک دارند . خبر نگارما مینویسد : از جهارده قریه سیلزده بازدید کرد و پیر که میر سیدم از سبل و توفان و نابودی محصولات خود شکایت داشت . سبل اخیر یه ۲۷ هزار تنر جمعیت کپورچال و آبکنار کم و بیش خساراتی وارد گرد .

کیهان ۱/ تیر ۴۲

این روز هاست که مرتب خبری مثل خبر فوق در جراحت تکرار خواهد شد .

در حقیقت تا استان ایران ، در شهرها با خفه شدن کودکان در حوض و در دهات با ساختن خرمنها و خرابی سبل شروع میشود .  
سوختن خرمن ، از جمله ضایعاتی نیست که بسادگی بشود آن را جبران کرد ، نهاده ماء زارع بیچاره جان می کند و زحمت میکشد ، در زمستان و برف و سرما مراقبت دارد ، در اسفندماه و چین میکند ، روز تا شب گنجشکها و پرنده کان را از محصول دور میسازد با ملغی بارزه دارد ، برای یک قطره آب جان خود را در معرض خطرهای قرار میدهد تا بالآخره نتیجه زحمت اوطلائی شود و بصورت تودهای محصول درآید که خرمن نام داده اندش .

این خرمن ، ضامن و روزی رسان بکماله خانواده دهستان و خرده مالک است ، همه عایدی آنها همین است ، واکنون تصور فرمایید که اگر بزارع خبر دهند که ناگه شبهی آتشی بر فروخت و این خرمن تماماً سخت و خاکستر شد چه بروز او خواهد آمد . من در کوهستان پاریز بارها شاهد حال رقت بارچنین خرمن سوختگانی بوده ام که نه دوی گدائی دارند و نه امید و محل درآمدی دیگر .

در چنین موردی بساحت که شیرازه یک خانه و خانواده بکلی درهم

میریزند زادع مهاجرت می کنند ، زنش از بی خرجی به فلاکت و بیچارگی میافتد و فرزندانش کارشان به گدامی می کشد .

متاسفانه امثال وقوع این حادثه کم نیست . اندک بی احتیاطی ، یعنی مثلاً ریختن آتش چپق در تزدیکیهای خرمن یا تمسیگار و باتنور آتش کردن در حوالی آن و انتقال شعله آتش بوسیله باد به حدود خرمن ، این فاجعه را بیار خواهد آورد و هیچ عاملی هم قادر به خاموش کردن آن نیست ، کام خشک است و هوای آزاد و شعله آتش و دامن ذدن باد .

اگر توقع داشته باشیم که دستگاه دولت برای همه دهات ایران فی المثل سازمان آتش نشانی ترتیب دهد در حالی که مثلاً هنوز در حاکم نشین یا استانی مثل کرمان اداره آتش نشانی ندارد و آخرین وسیله خاموش آتش در آنجا خراب کردن بازار یا طاق مورد حربق است طبعاً توقع بیجانی است با اینکه اگر بگوئیم فی المثل خرد مالک بازارع بتوانند چنین سازمانی بوجود آورند بیهوده است .

نمونه دیگر از این آسیب که اختصاص بدھات دارد ، مسئله افتادن آب قنات و خرابی قنات است که خصوصاً در جنوب واستانهای مثل کرمان و اصفهان مورث نابودی دھات و قبهات بیشماری شده است .

توضیح آنکه قناتی را که سالها قبل پیشنبینی بازحمت فراوان و خرج زیاد و تلف کردن سالها عمر روی کار آوردماند و فی المثل در نواحی مانند کرمان و بیزد با حفر چاههای ۱۸۰ متری خاکبرداری حدودشش فرسنگ گاهی مسیر قنات ، سالها جان کنده اند با اندک بی احتیاطی با بلای آسمانی ممکن است باز و خراب شود .

یک باران سیل آسا میتواند باشستن دهانه چاهی که اتفاقاً بازمانده و ریختن مقداری خاک در آن ، قناتی را باز کند ، یعنی جلوی آب گرفته شود و آب بشت قنات جمع شود و آنقدر خرابی کند که دیگر سالهای سال امکان آبادی آن بوجود نباشد وجود مالکین جزئی و عمده نبین وقف بودن قسمی از چنین ملکی که موجب دلسردی و بی اعتمانی مالک یا منتصدی و قدردادن نفعه و مخادر قناتی باشد ، کار را مشکلتر میکند و با اوقات که منجر بخرابی قنات می شود .

صدھا اذاین نوع قنوات داریم که باز افتاده اند و بهمین دلیل بوده است شاید تعجب کنید که اگر بگوئیم بر طبق تحقیق یکنفر خارجی ، در ایران قریب ۳۵ هزار کیلومتر قنات وجود دارد یعنی ۲۵ هزار کیلومتر زیرزمین را کنده و خاک آن را بالا اورده اند تا جوئی آب بسطح زمین بیاید و باز شاید تعجب کنید که امر وز مجموع طول راههای آبادماشین رو ایران بر طبق تصريح وزارت راه بیش از ۲۷ هزار کیلومتر نیست .

واقعاً حیف است که چنین سرمایه کوشش عظیمی را مانکو جل تصور نکنیم و نسبت بدان بی اعنتا باشیم .

با این که میدانیم سرنوشت وحیات همه مردم مملکت بهمین رشنہ آب باریک بسته است افتادن آب قنات ولو آنکه همیشگی نباشد یعنی فقط برای یکی دوهفته و یک‌ماه هم باشد باز زیان جبران نایذری دارد ، یعنی محصول یک‌ساله را از میان میبرد و یک‌دهه را بعزمای حاصل یک‌الله می‌نشاند .

آیا باید در این مورد ، خصوصاً امروز که مسئله اصلاحات ارضی به مرحله اجرائی رسیده و هم خطرات مزارع و خرمن‌ها را بیشتر کرده و هم احتمال افزایش محصول را در بیان دارد ساخت نشست و بیخیال بود .

بعقیده من ، وزارت کشاورزی به موazات انجام اصلاحات ارضی ، یک‌وظیفه بزرگ‌دیگر دارد و آن حفظ سرمایه دهستانان و خرده‌مالکان است که همان قنوات و خرمن‌ها باشد .

برای اینکار من فکر می‌کنم امروز هیچ راهی ساده‌تر و عملی‌تر از این نیست که همه قنوات ایران اجباراً بیمه شوند .

یعنی وزارت کشاورزی همه مالکان و زارعین را مجبور کند که قنات ملک خود را بر احوالات بیمه کنند ، اینکار برای یک‌ملک مخارج زیادی نخواهد داشت ، البته باید در این‌مورد روی ارقام و اعداد مطالعه کرد .

ولی فی المثل اگر هر ملک روی هم فنه بتواند صد تومان در سال پول بیمه بدهد و صدمیلک دریک ناحیه بیمه شوند ، در سال یکصد هزار تومان عایدی بیمه از این صدقنات خواهد بود از این وقت اگر فی المثل یکی از آن صد ملک در سال خراب شود و فکر می‌کنم احتمال خرابی یک‌درصد بیشتر نباشد - بیمه می‌تواند بالا فاصله با پرداخت پول بیمه آن ملک را از خطر حتمی فوراً نجات دهد ، یعنی حدود سدهزار تومان صرف تعمیر ملک بکند . اینکار دیگر مراجعته متواتی بخرده‌مالکان و تأخیر در امر لاروی قنات و تعمیر آن را در بر نخواهد داشت و خرابی زیاد نخواهد داشد و محصول هم آسیب نخواهد دید . هم چنین است اگر فی المثل یک ناحیه از مملکت راسیل ببرد ، بیمه با پولی که از سایر دهات مملکت گرفته است ، یکباره می‌تواند کمک بزرگی بآن ناحیه بکند که هیچ وقت از عهده شیر و خورشید سرخ و امثال آن بر نخواهد آمد .

بیمه با چنین کاری می‌تواند آخرین و بهترین وسیله حفر و تعمیر قنوات را در اختیار داشته باشد و عروقت در هر جا احتیاج بدان پیدا شد فوراً با وسائل مکانیکی عمل کند و کادر را پایان برد ، این امر یعنی بیمه املاک در مرور تلمبه‌ها

و چاههای عمیق بمراتب مؤثر تر و نافع تر است و همه مالکان و زارعین نیز از آن استقبال خواهند کرد.

مسئله دوم، بیمه خرمنهای زارعین است که اگر اجباری هم نباشد بصورت اختباری یا نیمه اجباری میتواند کمل بزرگی بزارعین بکند و آینده آنان را لاقل برای بیکمال تأمین نماید. این دیگر امری است که واقعاً شرکت بیمه هم میتواند با مخارج بسیار کمی آن را بمرحله عمل درآورد. وزارت کشاورزی در جوار سایر اقدامات خود بایستی به این امر واقعاً توجهی خاص مبذول دارد و امر وزر که مردم دیگرسگه و گربه‌های خود را هم بیمه میکنند حیف است که وزارت کشاورزی دست روی دست بگذارد و بگوید: خرمن سوختگان را همه گو باد بیر!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتابل جامع علوم انسانی